

## جهانی شدن و آثار آن بر جهان عرب

احمد ثابت، العولمة و تداعياتها على الوطن العربي، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، يناير ۲۰۰۳، ۲۵۸ صفحه.

مهدي قويدل

کارشناس ارشد روابط بین الملل

جایگاه آنها تأمل لازم را ندارد و در بسیاری از موارد خود نیز به رغم نقد دیدگاههای فوکویاما و دیگران همان تصمیمات را صادر می کند و در نهایت نسخه دموکراسی فراگیر را تجویز می نماید. این در حالی است که بر موانع و مشکلات آن کاملاً آگاه است و در بخش شکنندگی دموکراسی به آن اشاره کرده است.

بیش از یک دهه است که سؤالاتی را در مورد فرایند «جهانی شدن» مطرح می کنیم و پاسخهایی می دهیم. مفهوم جهانی شدن به چه معنی است؟ ابزارهای آن کدام است؟ آیا مبدأ خاصی دارد؟ آثار آن چیست؟ دست کم تا کنون ثابت شده است که جهانی شدن در زمینه ها و رقابتهای اقتصادی، علمی و دانش فنی، فرصتهای جوامع سرمایه داری را بیشتر کرده است. فرایند جهانی شدن باعث سرازیر شدن ثروت به کشورهای صنعتی شده و کشورهای از توسعه بازمانده یا کشورهای در حال توسعه در فرایند توزیع ثروت در روابط بین الملل عقب مانده اند. کشورهای عربی بر اساس قدرت ملی خود سوار بر موج جهانی شدن نشده اند، لذا در حاشیه قرار دارند. گویی

جهانی شدن استعمار جدیدی است که نه با تکیه بر ارتش و اسلحه بلکه با اقتصاد، اطلاعات و فناوری با فتح بازار کشورهای ضعیفتر، حاکمیت ملی آنها را محدود می کند. در چارچوب قدرت تاثیرگذاری نیروهای جهانی شدن در جهان عرب، آثار روابط بین کشورهای مرکز و پیرامون مشاهده می گردد. فضای اقتصاد عربی تاریک شده است، مرزهای ملی در معرض تهدید قرار دارد، فرهنگ عربی آسیب پذیر جلوه می کند و حاکمیت ملی دولتهای عربی متزلزل شده است.

کتابی که قصد داریم آن را نقد و بررسی کنیم در سه فصل تنظیم شده است و در واقع شامل یازده مقاله از نویسندگان مختلف است. در مقدمه کتاب با بدبینی به فرایند جهانی شدن نگریسته می شود که کشورهای عربی یکی از قربانیان آن محسوب می شوند. مرکز مطالعات وحدت عربی در بیروت این مقالات را گردآوری کرده و یادآور شده است که دیدگاههای وارده در این کتاب ضرورتاً نظر مرکز نیست. در مقدمه کتاب آمده است که هدف از جمع آوری این مقالات که در سه بخش چپستی جهانی شدن،

جهان عرب و جهانی شدن و فرهنگ و جهانی شدن تنظیم شده است، نشان دادن رابطه این فرایند با جهان عرب و شناسایی آثار مختلف این پدیده بر کشورهای عربی است.

مقاله اول تحت عنوان «دیالکتیک جهانی شدن بین انتخاب و رد کردن» توسط «عبدالجلیل کاظم الوالی»، استاد فلسفه در دانشکده ادبیات دانشگاه صناعا، که در شماره ۲۵۷، ژانویه ۲۰۰۲ در فصلنامه المستقبل العربی چاپ شده ارایه گردیده است. وی تعاریف مختلفی از دانشمندان متعدد در مورد فرایند جهانی شدن ارایه می دهد ولی نه آنها را رد می کند و نه می پذیرد و می نویسد هر کس بسته به تخصص خود تعریفی از جهانی شدن دارد. نویسنده انواع فرایند جهانی شدن را در ابعاد جهانی شدن فرهنگی، جهانی شدن ارتباطات، جهانی شدن اقتصاد و جهانی شدن سیاسی بررسی می کند. نویسنده مقاله نتیجه می گیرد اعراب باید در حال حاضر برای استفاده از فرصتهای جهانی شدن و دفع آثار منفی آن تلاش کنند و اجازه ندهند اختلاف نظرها با آمریکا و اسرائیل باعث از دست دادن فرصتهای این پدیده شود. مقاله حاضر با

عینک سیاسی به پدیده جهانی شدن نگاه کرده است.

مقاله دوم تحت عنوان «جهانی شدن سیاست و جهانی شدن سیاسی» توسط دکتر «عبدالخالق عبدالله» از گروه علوم سیاسی دانشگاه العین در امارات عربی متحده ارایه شده است. وی جهانی شدن سیاسی را مبهم‌تر از جهانی شدن در حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ می‌داند. مقاله دکتر عبدالله سعی دارد جهانی شدن سیاسی را به خوانندگان بشناساند. وی می‌نویسد جهانی شدن سیاسی یعنی اینکه زمینه سیاست از سیاست محلی به سیاست جهانی تغییر پیدا کرده است. جهانی شدن سیاسی یعنی اینکه فرهنگ سیاسی جوامع مختلف لیبرال شده است و این پدیده به نوبه خود پدیده آمریکایی شدن را به دنبال دارد. اینکه زمینه سیاست جهانی شده است به معنی این است که اندیشیدن و تخیل امری جهانی است.

واحد‌های سیاسی جداگانه در حال زوال هستند و مسایل سیاسی در یک جای جهان به مسایل سیاسی در نقاط دیگر جهان ارتباط دارد. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک و واشنگتن از مرزهای سیاست عبور کرد و به

یک مسئله جهانی تبدیل شد. مسئله دیگر «آزاد شدن انتقال سیاست» همانند انتقال

سرمایه در جهانی شدن اقتصاد است. پس سیاست امری لحظه‌ای شده است. نتیجه طبیعی سرازیر شدن آزادانه و سریع سیاست در عرصه جهان که با ابزار رسانه‌ها صورت می‌گیرد فرایند لیبرال شدن جهان را تشدید می‌کند که بر حقوق بشر و آزادیهای مدنی تاکید دارد. جهانی شدن افکار لیبرال با پشتوانه جهانی شدن اقتصاد صورت می‌گیرد. این امر به نوبه خود دموکراتیزه شدن جهان را به دنبال خواهد داشت. شهروندی جهانی یکی دیگر از پی‌آمدهای جهانی شدن ارزشهای لیبرال است که جانشین شهروندی محلی می‌شود. هویت ملی که هم اکنون وجود دارد و در حال فروپاشی است جای خود را به هویت انسان می‌دهد. جهانی شدن سیاسی یعنی اینکه انسان جهانی تعریف می‌شود.

مقاله سوم «اعراب و جهانی شدن: مشکلات حاضر و چالشهای آینده» از سوی «مهینوب غالب احمد»، استاد دانشکده ادبیات در دانشگاه عمرالمختار در لیبی، ارایه شده است. نویسنده مقاله هدف نهایی فرایند

جهانی شدن را کنترل «ادراک» می‌داند که در ادبیات و فرهنگ جهانی شدن این مفهوم جانشین مفهوم «آگاهی» شده است. در نهایت کارایی عقل دچار ضعف می‌شود که هدف آن عادی شدن فرهنگ هژمونی است. نویسنده مقاله با اشاره به واکنش‌های عربی در برابر چالش جهانی شدن می‌نویسد جهان عرب به خاطر ضعف در سازگاری و انطباق باتحولات جاری مربوط به فرایند جهانی شدن، دچار دستپاچگی شده است. یکی از دلایل این مسئله، تعامل یک جانبه و جداگانه کشورهای عربی با فرایند اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن است. بنابراین جهان عرب با امنیت، توسعه و صلح فاصله دارد. جهان عرب نیازمند یک راهبرد دراز مدت پس از مشخص کردن اهداف خود در برابر نیروهای مهاجم فرایند جهانی شدن است. «حمدی عبدالرحمن حسن»، استاد علوم سیاسی در دانشگاه قاهره، مقاله بعدی را تحت عنوان «جهانی شدن و اثرات سیاسی آن در نظام منطقه ای عربی» نوشته است. این مقاله که با دیدی عربی به مسئله یاد شده نگاه می‌کند در شماره ۲۵۸ فصلنامه المستقبل العربی چاپ شده است. وی نقش مداخله جویانه

آمریکا در نظام منطقه ای عربی را یکی از آثار جهانی شدن در جهان عرب می‌داند، ولی در عین حال عنوان می‌کند که غرب از رژیم‌های اقتدارطلب عربی حمایت می‌کند و مسایل مربوط به دموکراسی و حقوق بشر در جهان عرب توسط غرب به علل دسترسی به منافعش فراموش شده است. افزایش نقش قدرتهای منطقه ای غیرعربی در جهان عرب یکی دیگر از آثار جهانی شدن در جهان عرب است. مفهوم صلح آمریکایی در خاورمیانه همان طوری که لیون هادار به آن اشاره دارد امتداد منطقی نظام تک قطبی در روابط بین الملل است. نویسنده مقاله با اشاره به سیاست آمریکا برای تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه، نقش اسرائیل را در این تحولات اساسی می‌داند. وی هم‌گرایی اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی و توجه به منافع مشترک عربی به جای منافع ملی صرف این کشورها را به عنوان راهبرد مقابله با نیروهای منفی جهانی شدن معرفی می‌کند.

در مقاله پنجم «محمد عبدالشفیع عیسی»، استاد مؤسسه برنامه ریزی ملی در قاهره، به بررسی نقش دولت‌های عربی در عصر جهانی شدن می‌پردازد. این مقاله به

رغم عنوانش، به طور مستقیم به جایگاه دولتهای عربی در عصر جهانی شدن نپرداخته و فقط به ارایه تعاریف مختلف از این پدیده بسنده کرده است. «محمد ابراهیم منصور»، مدیر کل مرکز مطالعات المستقبل در دانشگاه اسیوط مصر، مقاله ششم را تحت عنوان «جهانی شدن و آینده دولت عربی» نوشته است. وی با ارایه تعریفی از پدیده جهانی شدن از جیمز روزنبا می گوید که دولتهای عربی با دو خطر عمده مواجه هستند. خطر انتقال حاکمیت به نهادهای بین المللی بزرگتر مثل شرکتهای چندملیتی و یا ترتیبات منطقه ای و دوم خطر برخورد هویتها و جنگهای داخلی. وی می نویسد نوع تعامل کشورهای عربی با این دو خطر به اصلاح روابط جازی بین دولت و جامعه بستگی دارد.

«الصادق رابح»، پژوهشگر و کارشناس علوم ارتباطات، نویسنده مقاله هفتم تحت عنوان «رسانه های گروهی و جهانی شدن» است. این مقاله به بررسی تأثیر فرایند جهانی شدن بر خبرگزاریهای خارجی جهانی، روزنامه ها، هفته نامه ها، رادیو و تلویزیون می پردازد. مهمترین

نتیجه ای که این مقاله می گیرد در مورد خطر یکی شدن و همگونی اشکال و محتوای اخبار رسانه های گروهی در جهان است که از «نظام فرهنگ جهانی» حکایت دارد. البته این جریان به نوبه خود «مقاومت» را هم در پی دارد. مقاله بعدی در مورد «رسانه های جهانی شدن و تأثیرش بر مصرف» توسط احمد مصطفی عمر از دانشگاه الشارقه ارایه شده است. وی نخست به تعریف مفهوم جهانی شدن می پردازد و می نویسد جهانی شدن به مفهومی با مضامین پویا و روندی مستمر از تغییر و تحول اشاره دارد. جهانی شدن گرایشی فزاینده است که طی آن جهان در یک دایره اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار می گیرد. وی سپس به فلسفه اثرگذاری جهانی شدن بر مقوله مصرف می پردازد و آن را به شیوه تبلیغاتی غرب لیبرال ربط می دهد. سرانجام برآورد آزاد اطلاعات، متنوع سازی رسالت تبلیغاتی برای جذب مخاطب، پخش و انتشار سریع و مداوم اطلاعات از جمله راههای تأثیر بر مقوله مصرف است که از طریق برنامه های رادیو و تلویزیونی، فیلم و سریال صورت می گیرد.

نهمین مقاله این کتاب از سوی حمید الدلیمی از دانشگاه قاریونس لیبی تحت عنوان «جهانی شدن و رسانه‌ها در جهان عرب» ارائه شده است. وی با اشاره به ابعاد مختلف جهانی شدن به ویژه بعد رسانه‌ای آن می‌نویسد، رسانه‌های جهانی شدن کارکردهایی همچون شیوع اطلاعات نادرست، ذوب کردن فاصله افسراد و نمایندگی کردن بین فرهنگهای متفاوت را برعهده دارند. جهان عرب نمی‌تواند جهانی شدن را رد کند بلکه باید با جذب محاسن آن به دفع مضرات این پدیده پردازد. بر این اساس، جهانی شدن باعث ادغام رسانه‌ها شده است و این به نوبه خود باعث تغییر ساختار، مفاهیم و کارکرد رسانه‌ها می‌شود. در ساختار جدید نظام جهانی، رسانه‌ها در خدمت منطق جهانی شدن قرار دارند تا حاکمیت ملی کشورهای مستقل خدشه دار شود، فرهنگ ملی تحت تاثیر فرهنگ جهانی قرار گیرد و فکر و الزامات جهانی فکر کردن شیوع پیدا کند. مقاله بعدی را دکتر «جلال امین»، استاد اقتصاد دانشگاه آمریکایی قاهره، نوشته است. نام این مقاله «جهانی شدن، هویت فرهنگی و جامعه تکنولوژیک» است. وی نحوه تعامل مردم با فرایند جهانی شدن را مثل برخورد آدمهای کور با فیل می‌داند. دکتر امین معتقد است علت مخالفت مخالفان با فرایند جهانی شدن نه به خاطر آثار اقتصادی آن بلکه به خاطر مسایل دینی است. جهانی شدن از مراکز دینی غیر از دین ما می‌آید. بنابراین، هویت فرهنگی در معرض تهدید قرار می‌گیرد. هویت فرهنگی یعنی فردگرایی فرهنگی. پیشرفتهای تکنولوژیک باعث می‌شود جامعه تکنولوژیک ایجاد شود. در این جامعه توان انسان برای فردگرایی و بروز تواناییهای فردی وی بیشتر می‌شود.

یازدهمین و آخرین مقاله کتاب حاضر به دکتر احمد ثابت تعلق دارد. «جهانی شدن و گزینه‌های مستقل» نام این مقاله است که در فوریه ۱۹۹۹ در فصلنامه «المستقبل العربی» به چاپ رسید. وی با اشاره به ابعاد جهانی شدن به ویژه در زمینه فرهنگی به بعد سیاسی آن می‌پردازد و می‌نویسد گویا منطق فرایند سیاست‌سازی خارجی ایالات متحده آمریکا به اهمیت ایجاد «دشمن مشخص» باز می‌گردد. آلن سیولینو در روزنامه نیویورک تایمز در سال ۱۹۹۵ نوشت بنیادگرایی

اسلامی با توجه به فقدان تهدیدهای فوری به عنوان تهدید اول آمریکا معرفی شده است. دکتر احمد ثابت ادامه می دهد که این اندیشه و فکر باید اشاعه یابد. از این رو رسانه های جمعی آمریکا اخبار مربوط به اسلام و مسلمانان را با دیدگاه ویژه ای پوشش می دهند. در اینجا جهانی شدن فرهنگ در خدمت جهانی شدن سیاست قرار می گیرد. جهانی شدن همگون سازی جهان در ابعاد مختلف است. سمیر امین نام عصر جهانی شدن را «دوره بازار» توصیف می کند. بر این اساس مفاهیمی همچون عدم تعهد، ملی شدن، کمونیسم، کشورهای سوسیالیستی، شمال و جنوب، جهان سوم و شرق و غرب جای خود را به مفاهیمی همچون تجارت آزاد، اقتصاد بازار، دموکراتیزه کردن و غیره می دهد. این مقاله به تاثیر انقلاب اطلاعات و نقش ابزارهای ارتباطی مثل اینترنت و ماهواره ها در توسعه ابعاد فرایند جهانی شدن اشاره می کند و به جایگاه برتر آمریکا در عصر جهانی شدن اقتصاد و ارتباطات می پردازد. درک دقیق پدیده جهانی شدن فرهنگ نیاز به بررسی موشکافانه و انتقادی از آثار مثبت و منفی آن

دارد. این مقاله هر چند به بررسی وضعیت مسایل جهانی در عصر جهانی شدن می پردازد، راهکاری برای کشورهای عربی در خصوص نحوه تعامل با آن ارائه نمی دهد. با مطالعه مقالات ارائه شده در این کتاب می توان گفت بیشتر نخبگان فکری و ابزاری دنیای عرب با دیدی منفی به فرایند محتوم جهانی شدن می نگرند. این کارشناسان جهانی شدن را فرایندی برگشت ناپذیر و اجباری تلقی می کنند که کشورهای عربی بنا به دلایل بیشتر داخلی توان تعامل به صرفه با آن را ندارند، در نتیجه از آن بیم دارند. این ریشه در ضعف کشورهای عربی در رقابت و انطباق با نیروهای مهاجم فرایند جهانی شدن دارد. مقالات یاد شده جهانی شدن را تقریباً مترادف «آمریکایی شدن» افکار و رفتارهای جهانی می دانند و معتقدند فرایند جهانی شدن در کنترل آمریکاست. جنبه واقع بینانه نوشته های نخبگان فکری و ابزاری جهان عرب در این است که اذعان دارند مشکل کشورهای عربی در عدم تعامل رقابتی و مفید با نیروهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اطلاعاتی جهانی شدن ریشه در ویژگیهای داخلی این کشورها دارد.

## آینده جامعه مدنی در جهان عرب

احمد شکر الصبیحی، مستقبل المجتمع

المدنی فی الوطن العربی، بیروت: مرکز دراسات

الوحدة العربیة، اکتبر ۲۰۰۰، ۲۶۴ صفحه.

عبدالرضا همدانی

کارشناس ارشد مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات

استراتژیک خاورمیانه

اختلافات کشورهای عربی و هم‌گرایی  
ظاهری آنها مانع اتخاذ راهبرد یکپارچه در  
برابر جهانی شدن معرفی شده است.  
کشورهای عربی جهانی نمی‌اندیشند بلکه  
دغدغه اصلی آنها این است که گلیم خود را از  
آب بیرون بکشند، در نتیجه موفق نیستند.  
وضعیت جهان عرب گویای رابطه ناعادلانه و  
غیرمنطقی مرکز و پیرامون در سایه احکام  
جبری فرایند جهانی شدن است.

این کتاب در واقع پایان‌نامه دکترای

می‌باشد. نویسنده با توجه به اینکه در مدت

اخیر جهان عرب به نهادینه کردن جامعه

مدنی تمایل نشان داده است، سعی دارد که

بایک تحلیل آکادمیک و آرایه راهکاری

عملی، مفهوم جامعه مدنی را در اندیشه

سیاسی معاصر عرب عمق بیشتری ببخشد.

روش تحقیق در این پایان‌نامه تاریخی-

تحلیلی استقرایی می‌باشد. کتاب شامل

مقدمه، پنج فصل و نتیجه‌گیری می‌باشد.

در نخستین فصل مفهوم جامعه مدنی

و مهمترین ویژگی‌هایش مورد بحث و بررسی

قرار گرفته است و ضمن اینکه به نحوه

پیدایش تضادهای مدنی در غرب اشاره

می‌کند، این مفهوم را در اندیشه عربی و